غیرروحانی انسان را نشان میدهد (رومیان ۷: ۱۲، ۱٤). بنابراین، شریعت اخلاقی، شخص را برای نجات از گناهانش آماده میسازد. روشنائی و درخشش خالص فرامین اخلاقی خدا، به وظوح نمایانگر تاریکی اخلاقی انسان و تباهی روحانی وی میباشد. (غلاطیان ۳: ۱۹-۲۵؛ اول تیموتائوس ۱: ۸-۱۱؛ عبرانیان ۸: ۱۰).

ب) شریعت به عنوان وسیله طبیعت گناه آلود - در مورد ذات گناهکار تجربه میدهد.
شریعت اخلاقی مقدس، عادل، نیکو و روحانی است (رومیان ۷: ۱۲، ۱٤) و نمیتواند علت گناه بشود. طبیعت گناه آلود، علت گناه است. و از شریعت اخلاقی استفاده می کند تا تمامی امیال و آرزوهای گناه در شخص را بیدار کند. از همان زمان که شخص شروع به توجه بر شریعت اخلاقی میکند، طبیعت گناه آلود در جسم او قدرت یافته و واقعیت زشت در وجدان او پدیدار میشود (رومیان ۷: ۸-۱۱). ذات گناهکار او را بر این میدارد که میوه مرگ را به ثمر بیاورد (رومیان ۷: ٥؛ غلاطیان ٦: ۱۹-۲۱). هر چه بیشتر او سعی میکند که شریعت اخلاقی را نگاه دارد، بیشتر او متوجه تباهی اخلاق و طبیعت گناه آلود خود میشود (رومیان ۷: ۱٤-۱٥). و سرانجام او می میرد، یعنی خیالبافی او در مورد نیکوئی و امنیت دروغین او می میرد و با بیچارگی در وضعیت اسف بار و در خطر محکومیت ابدی قرار میگیرد. (رومیان ۷: ۹)

پ) شریعت، به عنوان استاندارد و معیار خدا برای زندگی نیکو و مقدس.
با اینکه ایماندار مسیحی دیگر "تحت شریعت" نیست، که همان ضروریات مطلق خدا برای نجات و استاندارد مطلق خدا برای محکومیت است (رومیان ٦: ۱٤)، او از شریعت خدا به مفهوم گسترده آن یعنی کلام خدا و از مفهوم خاص آن یعنی شریعت اخلاقی خدا (ده فرمان) معاف نیست.
۱) کلام خدا به عنوان شریعت. ایماندار مشتاق این است که تعالیم شگفت انگیز شریعت (کتاب مقدس) را کشف کند تمامی روز بر آنها تفکر و تعمق کند، از آنها اطاعت کند و آرامش و ثبات برای زندگیش پیدا کند (مزمور ۱۱۹: ۱۸، ۹۷، ۱۳٦، ۱٦٥). کلام خدا که موعظه و تعلیم داده شده، شنیده شده، و خوانده و اطاعت شده، "شریعتی کامل که آزادی میدهد" نامیده شده است (یعقوب ۱: ۲٥). دستورات اخلاقی، تعالیم، اصول و مثالها در کتاب مقدس، به طور خلاصه، تمامی کتاب مقدس، بیانی کامل از شخصیت و اراده خدا می باشد. بنابراین شریعت، ذات خداست که در شکل دستورات بیان شده است. پس شریعت همچنین راهی کامل برای فرزندان خدا برای زیستن است. این راهی کامل برای رستگاری حقیقی است.
۲) ده فرمان به عنوان شریعت. فقط بعد از اینکه خدا قومش را توسط هدایت آنان از اسارت به آزادی بازخرید (نجات داد)، ده فرمان را به ایشان داد (خروج ۲۰: ۱-۱۷). او این فرامین اخلاقی را به آنها نداد تا یوغ دیگری بر گردنهای آنها بگذارد، و آنها را دوباره به اسارت و بردگی بازگرداند، بلکه آنها را به عنوان راه و روشی برای حفظ آزادی خود به آنان داد. زندگی کردن در چارچوب و محدوده فرامین اخلاقی خدا، تنها راه ممکن برای قوم خدا است که آزادی خود را نگاه دارند و آزادی خود را تجربه کنند. بنابراین شریعت نه برای اسیر کردن مردم است و نه برای به نجات دادن آنها، بلکه بعنوان شیوه و روش زندگی آنانی است که قبلاً نجات پیدا کرده اند.
۳) شریعت ملوکانه به عنوان شریعت. محبت کامل کننده و انجام شریعت است، زیرا هرچه که ده فرمان به صورت منفی نشان دهد، محبت آن را بطور مثبت بیان میکند. محبت "تو نمیتوانی" را به "تو میتوانی" تبدیل میکند (رومیان ۱۳: ۸-۱۰). شریعت شرح میدهد چگونه خدا، همسایه و خود را دوست داشت (مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱؛ رومیان ۱۳: ۱۰؛ غلاطیان ٥: ۱٤؛ ٦: ۲؛ یعقوب ۲: ۸) و چطور یک زندگی نیک و مقدس در مقابل کاری که خدا انجام داده، داشته باشیم.

ت) شریعت به عنوان استاندارد و معیار خدا برای داوری.
۱) ایمانداران باید بعنوان افرادی صحبت و عمل کنند، که با "شریعتی که آزادی و رستگاری میبخشد" داوری خواهند شد (یعقوب ۲: ۱۲). شریعت و آزادی کاملا به هم متصل هستند. بطور ساده، بدون شریعت خدا، آزادی اصیل وجود ندارد. شریعت خدا شامل کتاب مقدس و احکام اخلاقی خدا است. شریعت خدا، ذات خداست که در احکام بیان میشود (یعقوب ۱: ۲٥). به طور ساده آزادی اصیل و حقیقی بدون زیستن بر طبق طبیعت خدا که در احکامش بیان شده است، وجود ندارد. مسیحیان باید بر طبق شریعت خدا زندگی کنند و مسیحیان بر طبق شریعت خدا داوری خواهند شد.
۲) بی ایمانان فقط آزادی و رستگاری میخواهند. آنها میخواهند که از تمامی دستورات و قوانین والدین، مذهب و جامعه خود آزاد شوند تا بتوانند آزادی انجام هر کاری که میخواهند داشته باشند و گناهانی همچون زنا، مواد مخدر، عشق به ثروت، آرزوی قدرت، و غیره را تجربه کنند. ولی این نوع آزادی یا رهایی فقط به اسارت همان گناهان می انجامد و هدایت میکند.
۳) ایمانداران بواسطه کلام راستی از نو متولد شده اند (یعقوب ۱: ۱۸) و شریعت خدا بر ذهنها و قلبهای ایشان نوشته شده است (عبرانیان ۱۰: ۱٦). ایمانداران خود را به طور آزادانه به خدا و شریعت خدا تسلیم کرده اند. آنها احکام خدا را میخواهند، میتوانند و انجام خواهند داد. آنها بزرگترین آزادی را درون حد و مرزهای شریعت خدا پیدا میکنند. برای یک ایماندار، خارج از شریعت خدا آزادی اصیل وجود ندارد. اطاعت از شریعت خدا برای ایمانداران بیان محبت ایشان به خدا است (یوحنا ۱٤: ۲۱، ۲۳)، و این آنها را کاملا آزاد میسازد (یوحنا ۸: ۳۱-۳۲، ۳٦؛ اعمال رسولان ٥: ۳۲).
٤) تمامی نااطاعتی از شریعت خدا مانند بر علیه شریعت خدا بودن و انتقاد از شریعت خدا بوده و مانند محکوم کردن و اشتباه دانستن شریعت خدا است. نااطاعتی از شریعت خدا یعنی ناراضی ساختن شخص خدا که دهنده شریعت و قاضی است (یعقوب ٤: ۱۱-۱۲). خدا، بعنوان عطاکننده شریعت و قاضی، همه مردم را با "شریعتی که آزادی میبخشد" قضاوت میکند، یعنی با تعلیمات کتاب مقدس و مخصوصا با شریعت اخلاقی است.

۳- شریعت به عنوان یک اصل یا قانون برای عمل

در این قسمتهای کتاب مقدس، کلمه "شریعت" یعنی یک اصل یا قانون برای عمل.

الف) شریعت اعمال (رومیان ۳: ۲۷)، اصلی است که خواستار کارهای خود شخص یا سعی و کوشش آن شخص برای اجرای فرامین موسایی بعنوان ضرورت برای عادل شمرده شدن او (نجات) لازم میباشد. چنین اصلی فقط بسوی تکبر و به خود بالیدن هدایت میکند (افسسیان ۲: ۸-۹).

ب) شریعت ایمان (رومیان ۳: ۲۷)، اصلی است که نیاز به ایمان به عیسی مسیح و کار کامل او برای نجات بعنوان عادل شمرده شدن ما (نجات)، دارد. تنها چنین اصلی میتواند ما را فروتن نگاه دارد.

پ) شریعت گناه (رومیان ۷: ۲۱، ۲۳، ۲۵)، ماندن در گناه، طبیعت گناه آلود و فاسد است که مانند یک شریعت یا اصلی سست و به عنوان قدرتی که میخواهد به زور ایمانداران را تحت کنترل در آورده و زندگی ایشان را در دست بگیرد، عمل میکند. پولس نمی گوید که ایماندار همیشه گناه میکند، بلکه میگوید که طبیعت گناه آلود درون ایماندار، قدرتی است که ایماندار نمیتواند خود را از آن آزاد سازد. زمان و دوباره طبیعت گناه آلود، خواست انسان را عوض میکند و او را بر این می دارد که مقاصد نیکوی ایماندار تبدیل به بدی و شرارت شوند. هر زمان که ایماندار میخواهد که کار نیکو انجام دهد، بی شک شریر خواب نیست، بلکه دور و بر ایماندار میگردد (اول پطرس ۵: ۸). گناه بر در قلب ایماندار میکوبد، و خواهان این است که وارد زندگیش شود (پیدایش ٤: ۷) و اعمال نیکوی او را به اعمالی بدی تبدیل کند. شریعت گناه، مخصوصا در اعضای بدن او فعال است (رومیان ٦: ۱۳، ۱۹؛ ۷: ۱٤، ۱۷، ۲۰). شریعت گناه در ایماندار به عنوان یک واقعیت به وجود خود ادامه خواهد داد تا زمانی که ایماندار از بدن مرگ آزاد شود (رومیان ۷: ۲٤؛ اول قرنتیان ۱۵: ٥٤-٥۷)، یعنی آزادی از بدن جسمانی در وضعیت کنونی، که در خطر تاخت و تاز طبیعت تباه شده و مرگ است.
غیرمسیحیان، از سلطه و اسارت قدرت طبیعت گناه آلود، آزاد نیستند (نفس یا جسم کهنه گناه، رومیان ٦: ٦). و با اینکه مسیحیان یک بار و برای همیشه از سلطه و اسارت طبیعت گناهکار آزاد شده اند، طبیعت گناه آلود هنوز در زندگی آنان قوی است و وجود دارد (رومیان ٦: ۷؛ ۷: ۱۸؛ ۸: ۲). طبیعت گناه آلود در وجود ایماندار دائما در حال مبارزه با روح القدس که در ایماندار ساکن است، میباشد (رومیان ٦: ۱۳، ۱۹؛ غلاطیان ۵: ۱٦-۲۳). مسیحیان اصیل باید بارها انتخاب کنند که نه توسط طبیعت گناه آلود خودشان بلکه بوسیله روح القدس کنترل شوند (رومیان ۸: ۹، ۱۳). دوباره و دوباره، مسیحیان اصیل در برابر دنیای گناه آلود استقامت و پایداری میکنند و انتخاب می کنند که به شکل مسیح در بیایند (رومیان ۱۲: ۱-۲؛ کولسیان ۳: ۱۰).

ت) شریعت ذهن (رومیان ۷: ۲۳)، طبیعت جدید و احیاشده ایماندار است، درون واقعی یا طبیعت ایماندار (رومیان ۷: ۲۲)، که به عنوان شریعت یا قدرتی دیگر که مشتاق است زندگی مسیحی را تحت سلطه در آورد، عمل میکند. به عبارت دیگر، شریعت ذهن، روح القدس است که در ایماندار زندگی میکند. در هر زمان و دوباره با اراده ای عظیم، شریعت ذهن آرزو دارد که چیزی که نیکو است را انجام دهد، که همان اطاعت کردن از فرامین اخلاقی خدا (رومیان ۷: ۱٦، ۲۲، ۲٦) و شیوه تعلیمی است که در آنها موجود میباشد (رومیان ٦: ۱۷).

ث) شریعتِ روح زندگی (رومیان ۸: ۲)، روح القدس است که به عنوان شریعت و یا قدرتی که احیا میسازد، هدایت میکند و تمامی جنبه های زندگی ایماندار را کنترل میکند.

ج) شریعت گناه و مرگ (رومیان ۸: ۲)، همان شریعت گناه در رومیان ۷: ۲۱، ۲۳، ۲۵ می باشد.

چ) شریعت عادلانه و نیک (رومیان ۹: ۳۱)، ماهیت عادل شمرده شدن یا به دست آوردن نیکوئی در حضور خدا است. از یک طرف، این ماهیت، حداکثر اهمیت را در میان یهودیان داشت. آنها دنبال عادل شدن با حفظ و انجام اعمال شریعت بودند. اما نتوانستند عادل شمردن را به دست بیاورند و نیک شمرده نشدند. یهودیان هرگز با انجام دادن یا اطاعت از شریعت نتوانستند نیکی خدا را دریافت کنند. از طرف دیگر این ماهیت بین امتها (غیر یهودیان) مهم نبود. با اینکه امتها به امور اخلاقی علاقه داشتند، هرگز در حضور خدا عادل شمرده نشدند. اما امتها با ایمان به عیسی مسیح، نیکی خدا را دریافت کردند.

ح) هیچ شریعتی بر علیه این چیزها نیست (غلاطیان ۵: ۲۳). مطلقاً هیچ چیزی بر علیه آنچه خدا در ایمانداران از طریق روح انجام میدهد وجود ندارد. در حالی که بر علیه اعمال طبیعت گناه آلود، فرامین اخلاقی وجود دارد (غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱)، هیچ شریعتی بر ضد ثمره روح القدس نیست، این تشویقی بزرگ برای زندگی کردن در ثمره روح القدس است.